



سال‌های بدون نقش

مهدی جعفرزاد، مدیر مشارکت‌های کلان اقتصادی شهرداری مشهد

گام اول، تعریف نقش مشهد

قبل از سخن گفتن درباره مبانی توسعه شهر مشهد، باید نقش و مأموریت این شهر را در نگاه منطقه ای، ملی و فراملی بررسی کرد. زمانی مطرح شد که مأموریت مشهد پمپاژ تفکر تشیع در بین عامه‌ی مردم است. برای شهر قم نیز چنین کارکردی در نظر گرفته شد با این تفاوت که مخاطبش نخبگان، صاحب‌نظران و متخصصان ادیان مختلف باشد.

در ۱۰ سال اخیر، زمان ماندگاری کاهش و میانگین سن زائران در مشهد افزایش یافته‌است، این زنگ خطری است که هشدار می‌دهد که نخبگان فرهنگی و اجتماعی باید هر چه زودتر یک نقشی مشخص برای شهر مشهد تعریف و قبول کنند و سپس الگوی توسعه مشهد را بر اساس آن شکل دهند. بعد از تعیین نقش شهر مشهد، باید برنامه‌ای برای مشهد نوشته شود تا آن نقش را معنادار کند و تضمین محقق شدن آن باشد. از طرفی طبق قانون وظیفه ایجاد زیرساخت‌های کلانشهرها نیز بر عهده‌ی دولت است؛ بنابراین مسلماً این یک موضوع حکومتی و مربوط به نظام است.

لزوم اجماع در الگوی توسعه

باید سوال «با عنوان پایتخت مذهبی، چه چیزی به ذهن‌تان خطور می‌کند؟» را از تمام نخبگان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر و همه ذی‌نفعان اعم از شهرداری، استانداری، آستان قدس رضوی و سایر دستگاه‌ها در حوزه‌های مختلف حمل و نقل و خدمات شهری پرسید، و باید دید که آیا می‌توانند به یک اجماع و استاندارد در تعریفشان برسند؟

با دائمی شدن دبیرخانه طرح مطالعه کمی و کیفی زیارت، این پروژه مطالعاتی بهترین فضا برای نخبگان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر مشهد و کل ذی‌نفعان بود تا به یک اجماع برسند.

در میان برخی نخبگان نظری وجود دارد مبنی بر این که نقش واقعی شهر مشهد نقش زیارتی نیست و دلایلش را این می‌دانند که سه میلیون نفر جمعیت این شهر کار خودشان را می‌کنند و یک اقلیت نزدیک به ۲۰

درصد با زیارت درگیرند، با این حال پذیرفته شده است که نقش عرفی مشهد زیارتی است. این نقش عرفی در همه جا تأثیر می‌گذارد ولی مابه‌ازای بیرونی و حقیقی ندارد. در مشهد برنامه‌ریزی متناوب بوده و هر کسی در هر دوره‌ای نظری داشته است، مدیری معتقد بوده است مشهد باید قطب صنعتی شود و چارت صنعتی بزرگ تعریف کرده‌است اما این مدل جواب نداد، قبل از آن هم مشهد قطب صنایع تبدیلی کشاورزی بوده‌است.

این مسئله به این معناست که در طرح الگوی توسعه شهر مشهد اجماعی وجود نداشته است. حتی بحثی که امروز با عنوان اقتصاد خدمات یا اقتصاد زیارت مطرح می‌شود، چه جایگاهی می‌خواهد داشته باشد و چه کسی می‌خواهد آن را توسعه بدهد؟ چقدر از زیرساخت‌های شهر مشهد در راستای این نوع اقتصاد است؟

نگاه‌های متفاوت به شهر مشهد

یکی از نمونه‌های پراکندگی دیدگاه‌ها را می‌توان در انتخاب مسئولین دید، انتخاب یک مدیر کل با تخصص میراث

باستانی برای مشهد، در صورتی که موضوع اصلی خراسان توسعه زیارت است نه میراث فرهنگی! میراث فرهنگی اصرار بر تقویت و حفظ میراث فرهنگی استان دارد، بنابراین چون مسئولین ملی دغدغه زیارت نداشتند یک مدیر کل با تخصص میراثی را در استان قرار دادند نه گردشگری؛ در نتیجه زیارت در رده‌های پاسسن و کم اهمیت قرار گرفت و شهری می‌شود که امروز نظاره‌گر آن هستیم. به شهرداری هم می‌توان مشابه همین انتقاد را وارد کرد که مسئله زیارت را جدی نگرفته است.

هدایت سرمایه‌گذار

چرا در شهر مشهد حجم سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های خصوصی به سمت هتل‌ها و واحدهای تجاری سوق پیدا می‌کند؟ چه کسی متولی هدایت این سرمایه‌گذاری هاست؟ از آنجایی که نقش شهر نامشخص است و مقطع و پلانی مشخصی هم ندارد، حجم سرمایه‌گذاری‌ها در مشهد در بخش‌های خصوصی به سمت هتل‌ها، واحدهای

رفتارهای سلیقه‌ای به خاطر این است که مشهد مَسَرت پلن ندارد. یقه شهردار را با چه معیاری می‌خواهند بگیرند که چرا با محوریت زیارت، شهر را توسعه نمی‌دهد؟

یکی از ایرادات در مشهد این است که سرمایه‌گذار هدایت نمی‌شود چون ظرفیت شهر مشهد مشخص نشده است، همه می‌خواهند هتل بسازند. نگاه سنتی در مشهد خواستار تسریع در افزایش گردش مالی است و درآمد حاصل از بهره‌برداری را ریسک می‌دانند، در صورتی که درآمد در حوزه بهره‌برداری خیلی بالا است.

سال ۸۸ به نمایندگی از شهرداری، عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی بودم، مدیرعامل یکی از شرکت‌های هواپیمایی نیز در جلسه حاضر بود؛ او تعریف می‌کرد که نماینده شرکتی از شهر دمام عربستان، که پایتخت تشیع در این کشور است و مردم آن وضع مالی خوبی دارند، به من گفت اگر مجوز یک پرواز مستقیم در هفته از دمام به مشهد را بدهید، حاضر است سالانه ۳۰۰ هزار نفر را به مشهد بیاورد. مطابق با استاندارد جهانی هر گردشگر خارجی نزدیک به هزار دلار عاید کشور و شهر مقصد می‌کند، این رقم برای شهر مشهد بسیار تأثیرگذار است. این مدیرعامل با افتخار! در جواب گفته بود «جواب ما منفی است چون می‌توانیم به جای آن یک پرواز مشهد به تهران راه بیاندازیم که در دسر کم‌تری دارد».

تجاری سوق پیدا کرده‌است. شاید یکی از دلایل این امر را کمبود بودجه شهرداری و عدم تحقق تعهدات دولت‌ها دانست که این نهاد شهری را ناچار می‌کند از طریق اعطای مجوز کسب درآمد کند.

بنابراین در هر حوزه‌ای نقش سازمان‌های مختلف به عنوان متولی هدایت این سرمایه‌گذاری‌ها باید مشخص باشد و گام بعدی این است که طرح جامع سرمایه‌گذاری مشهد مشخص شود.

مشهد پیشانی سنجش کارآمدی نظام است چرا که از سالیانه دومیلیون گردشگر خارجی، ۸۰ درصد به مشهد می‌آیند. اما متأسفانه نگاه مناسبی به این فرصت نداریم.

رفتارهای سلیقه‌ای به خاطر این است که مشهد مَسَرت پلن ندارد. یقه شهردار را با چه معیاری می‌خواهند بگیرند که چرا با محوریت زیارت، شهر را توسعه نمی‌دهد؟

اگر نقش و مدل توسعه فرهنگی مشخص و رابطه توسعه فرهنگی و چگونگی استفاده از این مدل‌ها مشخص شده باشد معلوم می‌شود که مثلاً طرح جامع سرمایه‌گذاری فرودگاه جواب می‌دهد یا خیر. مشهد در حوزه مدیریت شهری و مدیریت توسعه و زیرساخت‌ها ضعیف بوده‌است.

یکی از ایرادات در مشهد این است که سرمایه‌گذار هدایت نمی‌شود چون ظرفیت شهر مشهد مشخص نشده است، همه می‌خواهند هتل بسازند. نگاه سنتی در مشهد خواستار تسریع در افزایش گردش مالی است و درآمد حاصل از بهره‌برداری را ریسک می‌دانند، در صورتی که درآمد در حوزه بهره‌برداری خیلی بالا است.

در بیشتر نقاط دنیا تسهیلات دقیق، صحیح و شفاف برای سرمایه‌گذار مشخص است و طرح جامع و ساختار مشخص دارد. نمونه‌هایی همچون باغ موزه دفاع مقدس تهران، باید در مشهد باشد و مشهد الگوها و شاخصه‌های انقلاب را پمپاژ کند.

در بودجه امسال پیش‌بینی شده که رصدخانه شهر راه‌اندازی شود، رصد فرصت‌های شهر مشهد به معنی واقعی با مزیت رقابتی شهر که زیارت امام‌رضا(ع) است، تطبیق دارد.